

نقش والدین در تربیت فرزندان

سمیرا واردی *

اشاره

به نظر کارشناسان امور تربیتی، عوامل پنج‌گانه «ژنتیک»، «خانواده»، «مدرسه»، «گروه‌های هم‌سال» و «تجربه‌های شخصی»، شکل‌دهنده اصلی شخصیت هر فردی به شمار می‌روند، اما در این میان، «خانواده» به‌ویژه والدین، از همه تأثیرگذارترند؛ زیرا شخصیت‌سازی و تعادل روانی انسان، در درون خانواده و به‌واسطه پدر و مادر شکل می‌گیرد. متأسفانه، امروزه به دلیل ماشینی شدن زندگی، غالباً مسائل و مشکلات بیرونی خانه، چنان ذهن والدین را مشغول ساخته که گاه از انجام وظیفه خویش در قبال فرزندانشان باز می‌مانند.^۱ در این نوشتار، نگاهی به نقش والدین در تربیت فرزند داشته، این موضوع مهم را در دو مرحله پیش و پس از تولد فرزند بررسی می‌کنیم.

مرحله پیش از تولد

برخی از اموری که پیش از تولد فرزند، نقش بسزایی در امر تربیت دارد، عبارت

* پژوهشگر.

۱. گروهی از نویسندگان، *سیمای خانواده در اسلام*، ص ۳۱۰.

است از:

۱. انتخاب همسر شایسته

برخی تصور می‌کنند که تربیت فرزند، بعد از تولدش آغاز می‌شود؛ حال آنکه این امر، به زمان پیش از تولد برمی‌گردد؛ از این رو در آموزه‌های دینی برای پیش و بعد بارداری زن، آداب و شرایط خاصی تعریف شده است که رعایت آن، در شخصیت و آینده فرزند تأثیر شگرفی دارد؛ چنان‌که طبق برخی تحقیقات، علاقه‌مندی مادر به فرزند در هنگام شیردادن، در ثبات شخصیت او مؤثر است.^۱ همچنین سفارش شده که در هنگام ازدواج، برای فرزنددار شدن دعا کنیم؛ چنان‌که قرآن کریم فرموده: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زُجَّهٖ»^۲ ما دعای او (زکریا) را پذیرفتیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را [که نازا بود]، برایش آماده [بارداری] کردیم».

براین اساس، انتخاب همسر شایسته، از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت فرزند است؛ زیرا طبق قانون وراثت، همان‌طور که صفات ظاهری والدین و اجداد به فرزند منتقل می‌شود، رذایل و فضایل اخلاقی آنان نیز به او انتقال می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همسر خود را از طایفه پاک‌دامن و خوش اخلاق انتخاب کنی. به درستی که عِرْق (ژن)، در فرزند اثر می‌گذارد».^۳

۲. لقمه حلال

از نظر روان‌شناسان، غذا در شخصیت کودک تأثیر بسیاری دارد. اسلام نیز تأیید

۱. حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند، ص ۶۲.

۲. انبیا: ۹۰؛ ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۹۱.

۳. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

کرده که غذای سالم و حلال، در روح طفل اثربخش است.^۱ کسی که تصمیم دارد فرزندى صالح تربیت کند، باید از غذاهای حرام و حتى شبهه‌ناک پرهیز کند.^۲ به همین دلیل، خداوند می‌فرماید: «ای رسولان! از غذاهای پاکیزه (حلال) تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید که من به هرچه می‌کنید، آگاهم».^۳

لقمه حلال ارتباط مستقیمی با کسب‌وکار پدر خانواده دارد. در صورتی که «کسب پدر حلال باشد، شیر مادر هم حلال شده، به‌صورت غذا در دهان طفل نهاده می‌شود».^۴ از این رو، پدران باید برای به‌دست‌آوردن روزی حلال، حتی پیش از تشکیل خانواده دقت کنند. یکی از پدرانی که برای حلال بودن طعام اهمیت ویژه‌ای قائل شده، پدر مرحوم مقدس اردبیلی است. شیخ محمد اردبیلی در کنار تبلیغ به کار کشاورزی مشغول بود. یک روز وقتی جوی آب، سیبی را با خود آورد و ایشان آن را خورد، بلافاصله با خود گفت: این سیب برای که بود؟ و چرا آن را خوردم؟ سپس کسی را در مزرعه بکار گمارد و برای پیدا کردن صاحب سیب راه افتاد. پس از مدتی، صاحب باغ را پیدا کرد و جریان را به او گفت. صاحب باغ که مرد روشن‌ضمیری بود، او را انسان خوبی یافت و گفت: آیا ازدواج کرده‌ای؟ شیخ پاسخ داد: خیر. صاحب باغ گفت: آب کشاورزی شما از میان باغ من می‌گذرد و سیب هم مال این باغ است، اما آن را حلال نمی‌کنم! هرچه ایشان اصرار نمود و حتی خواست قیمت سیب را بدهد، او قبول نکرد.

۱. صدیقی، رازقیت خالق، جهالت مخلوق، ص ۲۰۵.

2. <http://abdolghaem.ir>

۳. مؤمنون، آیه ۵۱.

۴. حسن‌زاده آملی، هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۴۷۱.

سرانجام گفت: به یک شرط حلال می‌کنم. دختری دارم که هم کور است، هم کر است و هم شل. اگر با او ازدواج کنید، آن را حلال می‌کنم. شیخ محمد به ناچار قبول کرد. صاحب باغ او را به خانه برد. مجلس جشن عروسی را آراست و شیخ را به حجله روانه نمود، اما داماد، در کمال شگفتی عروس را در نهایت کمال و جمال دید! پدر عروس را خواست و از او پرسید: شما که گفتید دختر من کور، کر و شل است، اما این دختر چنان نیست! پدر دختر اظهار داشت: گفتم دختر من کر است؛ چون غیبت کسی را نشنیده، کور است؛ چون با دیده خود به نامحرمی نگریسته و شل است؛ چون بدون اجازه پدر و مادر، از خانه بیرون نرفته است»^۱.

مرحله پس از تولد

نقش دوم والدین در تربیت فرزند، پس از تولد کودک ظاهر می‌شود؛ زیرا خمیرمایه شخصیت کودکان، در کانون گرم خانواده شکل می‌گیرد. اموری که در این هنگام باید به آن‌ها توجه نمود عبارت‌اند از:

۱. شیر دادن

یکی از عوامل مؤثر در تربیت فرزند، شیر دادن به اوست. شیر مادر، در شخصیت‌سازی فرزند نقش اساسی دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «الرُّضَاعُ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ»^۲؛ شیر، سرشت آدمی را دگرگون می‌سازد». امام باقر علیه السلام به خانواده‌ها سفارش نمود: «عَلَيْكُمْ بِالرُّضَاءِ مِنَ الطُّمُورَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعِدِّي»^۳؛ بر شما لازم است

۱. مقدم، سرمایه سعادت و نجات، ص ۲۹-۳۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۹.

دایه پاکیزه‌ای برای شیرخوارگی کودکان خود برگزینید؛ زیرا شیر بر فرزند اثر می‌گذارد».

همچنین پسندیده است که مادران هنگام شیر دادن فرزندشان، وضو داشته باشند. رسول خاتم سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَوَضَّأَ فَعَسَلَ وَجْهَهُ تَنَاءَثَرَتْ دُنُوبٌ وَجْهَهُ»^۱ وقتی بنده وضو می‌گیرد و صورتش را می‌شوید، آثار گناهان از چهره‌اش زدوده می‌شود». براین اساس، وضو سبب نورانی شدن روح و صفای باطن می‌گردد و بستری مناسب برای رشد حالات معنوی در آدمی ایجاد می‌کند.^۲ مادری که پیش از شیردهی وضو می‌گیرد، این آثار معنوی را به فرزند منتقل می‌سازد.

برای نمونه، مادر شیخ انصاری، هنگام شیر دادن فرزندش همواره وضو می‌گرفت. وقتی پس از تبریک به مناسبت اجتهاد شیخ انصاری از چگونگی تربیت فرزندش می‌پرسند، چنین بیان می‌کند: «با زحمتی که من برای تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام نبوت هم می‌رسید، تعجب نمی‌کردم؛ چه رسد به مقام اجتهاد!»^۳ مردم با شگفتی از زحمتهای ایشان می‌پرسند و باز می‌گویند: «بیان زحمتهای من برای تربیت او، از حوصله شما بیرون است؛ ولی برای نمونه می‌گویم که هرگز به او شیر ندادم، مگر اینکه با طهارت بودم و وضو داشتم».^۴

۲. تعلیم و تربیت

اگر در جامعه‌ای تعلیم و تربیت فرزندان نهادینه شود، به تدریج راه انجام

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. بسیطی، «نقش شیردهی در تربیت فرزند»، درس گفتارها در: www.mohammadvu.org.

۳. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۳۲.

۴. انصاری، زندگی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۷۷.

رفتارهای انحرافی بسته می‌شود و چنانچه والدین بتوانند تربیت و تعلیم روشمندی داشته باشند، میزان موفقیت و سعادت فرزندان خود را چند برابر نموده‌اند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا عَانًا وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّائِبِ لَهُ وَتَعْلِيمِهِ وَتَأْدِيبِهِ؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را بر نیکی و سعادت یاری کند؛ به اینکه به او احسان نماید، با او انس بگیرد و به آموزش و پرورش او پردازد».

در این میان، آموزش قرآن به فرزند، از جمله وظایف بسیار مهم پدر و مادر است؛ زیرا قرآن تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را دربردارد و تلاوت آن، کلید ارتباط با خداست و تدبر در آیات جان‌بخش این کتاب آسمانی، سبب بیداری دل، شکوفایی استعداد و بروز خلاقیت در فرزند می‌شود.^۱ از این رو، بیشتر مادر عالمان و بزرگان دین به فرزندانشان خواندن قرآن را می‌آموختند و آن‌ها را بر اساس آموزه‌های قرآنی پرورش می‌دادند. مرحوم علامه جعفری می‌گوید: «نخستین بار مادرم قرآن را به من یاد داد؛ حتی یادم می‌آید یک بار که به مشهد می‌رفتم، در طول راه مادرم قرآن می‌خواند و میان راه که برای استراحت و نماز توقف کردیم، فرزندانش را دور خودش جمع کرد و یک سوره قرآن را به ما تعلیم داد».^۲

انس با قرآن، آینده نیک فرزند را تضمین می‌کند و آموزش آن، وظیفه‌ای است بر عهده پدر و مادر. حضرت علی عَلِيٌّ می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»؛^۳ حق فرزند بر پدر، این است که نام نیکو برایش انتخاب کند، او را ادب بیاموزد و به او قرآن را آموزش دهد».

۱. رضائیان بی‌لندی، رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان، ص ۶۵.

۲. «گفتگو با خانواده علامه جعفری»، ماهنامه جامعه، ش ۱۴، ص ۲۲.

۳. دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۷۲۴، ح ۳۹۹.

۳. ازدواج

ازدواج، امری است مهم و سرنوشت‌ساز که کامیابی یا شکست در آن، در زندگی آینده تأثیر بسزایی دارد. همسر خوب و موافق، زندگی را قرین آرامش و آسایش می‌کند و زمینه را برای پرورش استعدادهای درونی و ترقی و تعالی فراهم می‌سازد. برعکس، شکست در ازدواج موجب یأس و دل‌سردی می‌شود و استعدادهای درونی را از حرکت و تکامل بازمی‌دارد؛ بنابراین پدر و مادر می‌توانند مهم‌ترین نقش را در انتخاب فرزند خود بازی کنند؛ مثلاً می‌توانند زمینه زودهنگام ازدواج فرزندان خویش را فراهم ساخته، موانع آن، مانند مشکلات اقتصادی را حل نمایند.

متأسفانه امروزه، جوانان از ازدواج سر باز می‌زنند و با بهانه‌های مختلف، آن را به تأخیر می‌اندازند. داده‌های آماری نشان می‌دهد رغبت جوانان به ازدواج کم شده و تأخیر در آن، در حال تبدیل شدن به یک امتیاز اجتماعی است. بر اساس آخرین سرشماری، یازده میلیون و ۲۴۰ هزار جوان مجرد هستند که پنج میلیون و ۵۷۰ هزار تن از این جوانان را مردان، و پنج میلیون و ۶۷۰ هزار تن را زنان تشکیل می‌دهند.^۱

برخی پسران جوان به دلیل مشکلات شغلی، نمی‌توانند ازدواج کنند و برخی دختران نیز به دلیل عدم توانایی برای تهیه جهیزیه، خانه‌نشین شده‌اند. برای رفع این مشکل، باید چاره‌اندیشی نمود. یکی از این راه‌ها، اقدام والدین است؛ زیرا قرآن وظیفه ازدواج دختران و پسران را بر عهده همه افراد، به‌ویژه نزدیکان آنان قرار داده است.^۲

۱. ر.ک: پایگاه اینترنتی ایرنا، نشانی: www.irna.ir/fa/News/81482462.

۲. نور: ۲۳.

از سوی دیگر، در جامعه، افراد نیکوکار بسیاری داریم که می‌توانند جوانان را در امر ازدواج کمک نمایند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فردی نزد پدرم آمد. از او پرسید: آیا زن داری؟ او گفت: خیر. پدرم در مورد فضیلت ازدواج با او صحبت کرد و به او هفت دینار طلا داد تا ازدواج کند»^۱.

البته در این میان، برخی جوانان با بهانه‌های گوناگون، مانند فقر مالی، اقدام به ازدواج نمی‌کنند و یا با دید صرفاً مادی به آن می‌نگرند؛ حال آنکه در آموزه‌های دینی، خداوند وعده داده است مشکلات اقتصادی کسانی را که اقدام به ازدواج می‌کنند، حل نماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءُ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌سازد».

در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، جوان فقیری به محضر حضرت رسید و از نداری شکوه کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: برو ازدواج کن! جوان حضور حضرت را ترک کرد و به فکر فرورفت و با خود گفت: این چه راهبردی است؟ من که پول ندارم تا ازدواج کنم؟ در این فکر مشغول بود که مرد دیگری به او رسید و از دیدار او با پیامبر باخبر شد. آنگاه به دستور این آیه عمل کرد و گفت: من دختر زیبایی دارم. او را به عقد تو درمی‌آورم. آن مرد چنین کرد و جوان هم مسیر تلاش و مسئولیت‌پذیری را پیش گرفت و خداوند برکت داد و زندگی او به رفاه و پیشرفت تبدیل شد. سپس نتیجه را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز خطاب به جوانان فرمود: «در امر ازدواج، درنگ و تردید ننمایید»^۳.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۹.

۲. نور: ۳۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰.

۴. احترام

یکی از خواهش‌های طبیعی نوجوانان، این است که مانند بزرگسالان به شخصیتشان احترام بگذاریم. نوجوانان انتظار دارند که پدران و مادران و همچنین بستگان، با آنان مانند بزرگسالان برخورد نمایند.^۱ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ»^۲ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید». امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَجِيبْ مُعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»^۳ برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ، زیبا گردان.

براین اساس، رسول خدا ﷺ بارها به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام احترام می‌گذارد. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود که حسنین علیه السلام وارد شدند. حضرت به طرف کودکان رفت و با احترام از آنان استقبال نمود. آغوش خود را باز کرد و هر دو را بر شانه خویش سوار نمود و خطاب به آنان فرمود: « [فرزندان عزیزم!] مَرَكِبَ شَمَا، چَه خُوب مَرَكِبِي اسْت و شَمَا چَه سَوَارَانِ خُوبِي هَسْتِيد»^۴.

عبیدالله بن عتبه می‌گوید روزی در محضر سیدالشهدا علیه السلام بودم که امام سجاد علیه السلام وارد شد. امام او را پیش خواند، به سینه‌اش چسبانید، پیشانی‌اش را بوسید و فرمود: «بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطِيبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ»^۵ پدرم به فدایت باد! چقدر خوش‌بو و زیبایی».

آقابزرگ تهرانی می‌گوید: «من خود شاهد بودم که میرزای شیرازی چگونه با فرزند نوجوان خود با کمال ادب رفتار می‌کرد. يك بار که نزد ایشان بودم،

۱. فلسفی، *جوان از نظر عقل و احساسات*، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲. طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ص ۲۲۳.

۳. نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۳۵۴.

۴. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

۵. خزاز رازی، *کفاية الأئمة في النص على الأئمة الإثني عشر*، ص ۲۳۴.

پیش خدمت میرزا آمد و برای فرزند آقا اجازه ورود گرفت و میرزا اجازه داد. در این هنگام، فرزند خردسال ایشان داخل شد و پس از سلام، همان جا ایستاد. میرزا اجازه نشستن داد و فرزند در نهایت ادب، روی دوزانو نشست و چشم خویش را به زمین دوخت. میرزای شیرازی به پرسش از حال و درس کودک خویش پرداخت و در طی گفتگو، فرزندش را جز با کلمه «آقا» خطاب نمی کرد. پس از مدتی، فرزند اجازه رفتن خواست. پدر اجازه داد و به احترام او، کمی از جای خود برخاست.^۱

۵. نظارت و هدایت

مهم ترین نقش خانواده برای پیشگیری اعضای آن از انحراف های اجتماعی، نظارت بیشتر بر رفتار آنهاست. متأسفانه، در خانواده های امروزی، خانواده ها صرفاً نقش حمایتی پیدا کرده، نقش های هدایتی و نظارتی خود را کمتر ایفا می کنند. همین امر، موجب بروز آسیب هایی مانند عادی شدن روابط دختر و پسر و افزایش آمار اعتیاد جوان های مجرّد شده است.

عروس امام خمینی علیه السلام می گوید: «امام بعد از سنّ تکلیف بچه ها، بیشتر دقتشان در تعلیم و تربیت آنها بود. همیشه از ما می پرسیدند: آیا شما می دانید بچه تان کی از خانه بیرون می رود و کی می آید؟ با چه کسانی رفت و آمد می کند و یا چه صحبت هایی می کند؟»^۲

نکته قابل توجه اینکه ائمه معصومین علیهم السلام بر نوع پوشش و انتخاب دوست فرزندان خود نظارت می کردند. سلمه می گوید نزد امام باقر علیه السلام بودم که امام صادق علیه السلام وارد شد. امام خطاب به او فرمود: فرزندم، آیا لباست را مرتب

1. www.elib.anhar.ir/pageview.asp?ID= ۲۱۶۹۹

۲. ستوده، پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۱.

نمی‌کنی؟ امام صادق علیه السلام بیرون رفت و ما گمان کردیم لباسش کثیف است. سپس، بازگشت. به امام عرض کردم: فدایت شوم، چه اشکالی داشت؟ فرمود: لباسش بلند بود.^۱ همچنین، اهل بیت علیهم السلام مراقب بودند که دوستان فرزندانشان چه کسانی هستند و فرزندانشان با چه کسانی رفت‌وآمد دارند.^۲

متأسفانه، امروزه برخی پدر و مادرها به بهانه اینکه فرزندانشان بزرگ شده‌اند، مراقب آنان نیستند. اینان پدران و مادرانی هستند که تا وقتی فرزندان مرتکب جرمی نگردیده و روانه زندان نشده، نمی‌دانند او کجاست و چه می‌کند. این در حالی است که امروزه فرزندان ما، بیشتر از هر زمانی به مراقبت نیاز دارند؛ زیرا زمینه ناهنجاری‌ها افزایش یافته است و تهاجم فرهنگی، جوانان ما را تهدید می‌کند.

۶. تشویق

از جمله شیوه‌های تربیتی، تشویق است. تشویق، به منظور ایجاد انگیزه، شناسایی استعداد و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان، امری ضروری است. چه‌بسا فرزندان که از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود آگاهی نداشته باشند و والدین باید توانایی‌های فرزندانشان را شناسایی نموده و آن‌ها را به دلیل انجام کارهای خوب، تشویق کنند.

اهل بیت علیهم السلام ضمن تشویق دیگران به این امر، فرزندان خود را نیز تشویق می‌کردند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟ پدرم در مقابل این جمله،

۱. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۴.

۲. احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة، ص ۲۳۴.

به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی که به هنگام گرفتاری، جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: [درباره آنچه پیش آمده،] از غیر خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند، مرا کافی است و او، بهترین وکیل است.^۱

از دیگر سو، تنبیه نیز به معنای آگاه‌سازی و متوجه‌نمودن فرد از زشتی عملی است که مرتکب شده است. این اصل تربیتی، دامنه وسیعی را از عدم تأیید تا مجازات بدنی در برمی‌گیرد؛ ولی نباید به‌هیچ‌وجه، از حد و مرز لازم فراتر رفته، وسیله‌ای برای تشفی خاطر و ابراز خشونت باشد. تنبیه، به‌ویژه از نظر تربیت دینی، باید از چنان ظرافتی برخوردار باشد که سبب آگاهی فرد به وظایفش و عدم تکرار رفتار نامطلوب شود.

۷. محبت

عمده‌ترین فقر بشریت در جامعه ماشینی جهان معاصر، فقر فرهنگی و عاطفی است و مهم‌ترین مشکل کودکان و نوجوانان امروزی در خانواده‌ها نیز کمبود محبت است. در این راستا، اسلام به پدران و مادران سفارش کرده که نسبت به فرزندان خود ابراز محبت کنند. اقدامات رفتاری، از قبیل روی زانو نشاندن، در آغوش گرفتن، بوسیدن و بر سر آن‌ها دست‌نوازش کشیدن، در بسیاری از روایات، مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «أَجِبُوا الصَّبِيَانَ وَأَرْحَمُوهُمْ فَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ فَفُوا لَهُمْ»^۳ بچه‌ها را دوست‌بدارید و به آنان ترحم کنید و هرگاه به آنان وعده‌ای دادید، عمل

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۷.

۲. جمعی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۲۹۲.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

نمایید». امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَايَهُ؛^۱ خداوند بنده را به جهت محبت بیشتر به فرزندش، مورد رحمت قرار می‌دهد». مردی حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و اظهار داشت من تابعه حال به هیچ‌یک از فرزندانم اظهار علاقه نکرده، یک بار هم آن‌ها را ننویسیده‌ام. بعد از رفتن او، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛^۲ به نظر من، این مرد، اهل آتش است..» از منظر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اظهار عشق و علاقه به فرزندان، عبادت محسوب شده، دارای ثواب و حسنه است: «مَنْ قَبَّلَ وَالِدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً؛^۳ هرکس فرزند خود را ببوسد، خداوند در مقابل این عمل، برای او حسنه می‌نویسد».

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۰۴.